



دوره هفتم، سال اول، شماره ۷۱
پخش ۲۹ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

حزب توده ایران
راه حل مسالمت-
آمیز و مبتنی بر
رفع ستم ملی از
خلق کرد را یگانه
راه حل مسئله
کردستان میداند
و آماده است در
این راه، با تمام
نیرو و امکانات
خود، به دولت
موقت جمهوری
اسلامی ایران
صادقانه باری کند

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، گفت: همه با هم در ایجاد جبهه متحد خلق برای ثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب عظیم تاریخی ایران به پیش!

**جبهه متحد
خلق، یگانه
ضامن پیروزی
قطعی و نهایی
انقلاب است**

توده ایها پرچم مبارزه را
همواره بر افراشته نگاه
خواهند داشت

دستاوردهای انقلاب
عظیم اند

ضد انقلاب فعال است
صفحات ۳ و ۴

اشعاری از رفیق احسان
طبری، رفیق شهید جعفر
و کیلی و داغ دریا
صفحات ۳ و ۴

شکوفه‌هایی از
باغ هزار شکوفه
حزب توده ایران
صفحه ۳



رفیق کیانوری که آمد، انبوه جمعیت از جا کنده شد. هزاران دست، مشت شده، هزاران صدا هلهله‌یک صدا، صداها شور و سرود بود. صداها درود به رهبری حزب بود. در عکس رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق قلی‌منش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران بالبلخند و مشت‌های بسته به نشانه اتحاد، از جمعیت سپاسگزاری می‌کنند.

واقع بینی ایجاب می‌کند که مذاکرات سیاسی، قابرقراری آرامش در کردستان، ادامه یابد

منطقی واقع بینانه سرعت بربر خورد به حوادث دردناک کردستان حاکم میشود. باکلید منطق، یعنی مذاکره و رسیدن به راه‌حلی ممکن برای پایان دادن به برادر کشی در کردستان، قفل‌های بسته یکی بعد از دیگری، در این منطقه جنک‌زده میهن ما، گشوده میشود.

اخباری که در روزهای گذشته درباره گشایش باب مذاکره به منظور یافتن یک راه‌حل سیاسی برای پایان جنگ در کردستان میرسد، همگی حکایت از این تلاش و پیشرفت منطق واقع بینانه دارد.

بر اساس اخبار منتشره، آقای فروهر، وزیر مشاور دولت موقت جمهوری اسلامی، تاکنون مذاکراتی را با نمایندگان خلق کرد انجام داده است. مطالبی که در همین جهت، یعنی پایان دادن به برادر کشی از راه مذاکرات سیاسی و تامین خواستهای منطقی و به حق خلق کرد، از سوی پاره‌ای از رهبران کرد نیز مکرر عنوان شده است. امیدواری را بیشتر میکند حزب توده ایران، بتواند یک حزب مسئول و عمیقاً باسرنوشت انقلاب بزرگ ایران دل‌بسته و از هیچ‌گونه تلاشی برای تحکیم دستاوردهای آن‌گونه‌ای نگردد و نخواهد کرد. درست در لحظاتی که محافل معینی با دامن زدن به احساسات مردم، زمینه‌ساز جنگ در کردستان را فراهم میکنند و عوامل راستگرا حمله خود را به آزادی‌های دمکراتیک آغاز کرده بودند، نظری را اعلام داشت که اکنون مورد توجه محافل وسیع اجتماعی قرار گرفته است.

حزب توده ایران بدرستی اعلام داشت که با اعلام آن‌تن بی، جلوگیری از اعدامها و شروع مذاکرات واقع بینانه و مسیما نه و تامین حقوق مشروع خلق کرد در چار چوب تمامیت ارضی ایران، میتوان و باید صف ضد انقلاب را از صف خلق کرد و همه مردم ایران جدا کرد و به یاری خلق کرد و همه مردم ایران ضد انقلاب راه، که

ماسک بر چهره زده است، سرکوب کرد. با اینکه این منطق اکنون هر روز بیش از روز قبل مورد قبول و پذیرش نیروها و هواداران راستین انقلاب ایران و محافل هر چه وسیعتر اجتماعی و سیاسی قرار میگیرد، هنوز پاره‌ای محافل «دل‌من مبارزه» میگویند و بوضوح تمایل خود را به ادامه جنگ برادر کشی نشان میدهند. از اعمال آتش افروزان جنگ برادر کشی نمونه‌های فراوانی می‌توان ذکر کرد.

حزب توده ایران، که با انکیزه خدمت با انقلاب بزرگ ایران، در طرح راه‌حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان پیشگام بوده و آمادگی خود را جهت کمک سازقانه بدولت موقت جمهوری اسلامی هر روز تکرار میکند و اعتبار و نفوذ خود را بویع و وثیقه این نیت خیر قرار میدهد، بسیار دیگر تأکید میکند که جنگ برادر کشی را همین امروز، و همین ساعت و همین دقیقه باید برای همیشه پایان داد، فنکها را کنار گذاشت، و در فرغ چراغ برادری و انسانیت در پشت میز مذاکره نشست و باخرد و مسئولیت و فداکاری را در حل مسئله را پیدا کرد، ما از همه کسانی که در این امر تأثیری داشته و نفوذی دارند، در هر مقام و منصبی، انتظار داریم که آنها نیز چنین کنند. هم قلمان خود را در جرایم کشور و رسانه‌های گروهی فرا میخوانیم که علیه خطمش ادامه جنگ برادر کشی در کردستان پیروزی خطمش سلاح و اتحاد و برادری مبارزه کنند.

صلاح کشور ما و انقلاب بزرگ ایران در اینست نه چیز دیگر.

مردم انزلی در انتظار اقدام هشیارانه و قاطع به سود انقلاب هستند

پس از بیرون رفتن سپاه پاسداران از شهر انزلی و وعده‌هایی که به صیادان و مردم داده شده، اوضاع بطور کلی آرام گزاش شده است، اگرچه شهری که بدون هیچ دلیل ظاهراً معلولی، بر اثر یک برخورد خونین، ۱۳ کشته داده باشد، نمیتواند آرامش کامل خود را بفرویت باز یابد، روز جمعه، جمعیت کثیری، بصورت سوگوازی، دست به راه پیمایی زدند و بسوی گورستان شهر رفتند. آنها تصاویر بزرگ امام خمینی و آیت‌الله طالقانی را با خود حمل میکردند.

بیش از پیش روشن میشود که در رویدادهای انزلی نیز دستهای مرموزی در کار بوده، تا حادثه آفرینی کند و از یک مسئله قدیمی، کمیتوانست به سهولت و با تقاضا متقابل حل شود، یک ماجرای خونین، با فریاد یک کانون تازه و خامت و تشنج در کشور ما ایجاد کند. بدبختانه ماجرای خونین روی داد، ولی خوشبختانه به یاری هشیاری رهبری مردم انقلابی ما و کوششهایی که بعمل آمد، مانع شد که انزلی یک مرکز تازه تحریک و زمینه‌ساز آماده‌ای برای سیه‌بازی امپریالیستها و ارتجاع زخم‌خورده بدل شود. در یاد آرند بی بدستی این نکته مهم را مورد تأیید قرار داد

که، هر فریاد حقیقی را نباید ضد انقلاب خواند و با کوله به مقابله آن رفت، بلکه باید از طریق حل مسائل واقعی موجود، جلوی تحریک، جلوی حادثه آفرینی، جلوی اقدامات ضد انقلاب را، که از هر نارشائی و عکس‌العمل نا بجا و خشن سوء استفاده میکنند، گرفت. صیادان بند انزلی و غازیان و حومه، طی اطلاعیه‌ای، از کوششهایی که انجام میشود تا اذعان ملت ایران را از واقعیت موجود منحرف نماید، و از مسئولین بی تفاوت که تحریکات طاغوتی با شیر، چاشنان عیجین است، پرده بردارند و آنها را «مسببین حوادث تأسف‌بار چند روز اخیر» میخوانند. صیادان

کمیاب‌ی حربه برنده ضد انقلاب

کار کمیابی بسیاری از ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین نیازمندیهای زندگی پیوسته بالا میگردد و بحد کینوع هرج و مرج مخاطره انگیز توسعه می‌یابد. در همان لحظاتی که گوشه و کنار کشور ما در آتش تحریکات خونین دشمنان سوگند خورده انقلاب و کارگزاران درنده‌خوی سیا - موساد - ساواک میسوزد و خرمن زندگی فرزندان میهن ما را خاکستر میکنند، این دشمنان در جبهه‌های دیگر نیز با تمام نیرو حمله میکنند، و در هر جادوستان برسد، کار را به آشفتگی و بی‌سامانی میکشاند.

یکی از عمده‌ترین این جبهه‌ها، عرصه نیازمندیهای بدوی و حیاتی مردم است. تنم مرغ نایاب است. گوشت بدست مردم نهرسد، روشن‌نایابی نیست. برای بدست آوردن قند و شکر باید بهزار در زد. انواع یوودهای رختشویی و مایعات ظرف شویی حکم کمیاب را پیدا کرده‌اند. دارو برای درمان هزار درد زجر دهنده مردم پیدا نمیشود. بسیار بدبختی است که در چنین شرایط و احوالی، جاسوسان حرف‌های

گذاشت به خاطر یک پس فردای روشن‌تر و امیدبخش‌تر، ارائه نداده‌اند. هیچکس کوچکترین تردیدی ندارد که اصولاً هر چه و مرج اقتصادی در تمام زمینه‌ها، یکی از کمترین میراث‌های نامیمونی است که از رژیم فاسد و تاراجگر گذشته برای دولت انقلاب باقی مانده‌است. ولی در عین حال، با تأسف تمام باید اضافه کرد که، آنچه باین وضع میدان داده و آنرا توسعه بخشیده‌است، جز بست کاری و عدم قاطعیت در برابر دشمنان داخلی و خارجی هیچ چیز دیگری نیست.

ما از یکسو با محاصره اقتصادی دشمنان خارجی انقلاب، یعنی کشورهای امپریالیستی، سرگردگی امپریالیسم امریکا، و بروبر و هستیک هم‌راه، از برکت همکاری نزدیک با خاندان ننگین بهلولی، با سران جنایت‌پیشه دولتهای شاه‌خلوع و مقامات عالی‌رتبه دولتی و مالی کشور، و به بهای فقر و فلاکت و عقب ماندگی میلیونها مردم زحمتکش، میلیاردها سبب خیزند و انقلاب بزرگ مردم ایران دست آنها را از این سفره گشاده کوتاه و آنها را بخون ما تشنه کرده‌است. یکی از عوارض و نتایج این محاصره در در بقیه در صفحه ۲

چرا و چگونه افکار عمومی را از مبارزه بر ضد امپریالیسم، دشمن اصلی و واقعی خلق ما منحرف میسازند؟

روزنامه کیهان، در شماره ۳ شنبه ۲۴ مهر ماه، با حروفی که گویا درشت‌تر از آن وجود ندارد، در سراسر صفحه اول، از «نوطه‌نور آیت‌الله العظمی شریعتمداری، خبر داد. این روزنامه کلیه شیوه‌های روزنامه نگاری را برای هر چه هیجان‌انگیزتر ساختن این خبر در همان صفحه اول بکار برد.

کسانی که بکار روزنامه نگاری آشنا هستند، یکبار دیگر بر گردند و این سنحه را تماشا کنند و به‌تن تپلنی این روزنامه آفرین گویند که چگونه میتوان به ضرب حروف، واقعه‌ای را پدید آورد.

خود آیت‌الله العظمی شریعتمداری، در مصاحبه اختصاصی با کیهان، درباره این حادثه چنین گفت: «بعد از اینکه از مشهد حرکت کردیم، فرمانده ژاندارمری مشهد به منزل ما تلفن کرد و اطلاع داد که از طرف رژیم افغانستان توطئه‌ای در شرف تکوین بود و قرار بود که این طرح توسط چند تیمه افغانی، روز بعد از حرکت من به مرحله اجراء در آید. سپس گزارشی از شهر بانی تهران رسید، حاکی از آنکه ۴ تا ۶ نفر افغانی مأمور تورما شده‌اند، که یکی از آنها بدام افتاده است.»

در اینکه آیت‌الله العظمی آنچه را که شنیده‌اند، نقل فرموده‌اند، محل تردید نیست. ولی خواننده ناچار از خود مهربسد، چگونه حادثه‌ای که مربوط به ایام مبارک رمضان، آیت‌الله، در ماه مبارک رمضان، در مشهد مقدس است، اکنون بر ملا میشود و آیا ژاندارمری مشهد و شهر بانی تهران دلایلی در دست دارند که این تروریست‌های افغانی را شخص نورمحمد تره‌کی و دولت افغانستان به ایران کسول داشته است؟

مطبوعات و رادیو ایران در اخبار خارجی خود (درست به سبک رادیوهای غربی، که در زمان خود برای تحریک افکار عمومی مرتباً از دولت مارکسیست آلوده دم میزدند) چه و راست از دولت مارکسیست تره‌کی سخن میگویند، اگر تره‌کی «مارکسیست» بود، پس باید بداند که یک مارکسیست هرگز، طبق اصول فلسفی و علمی که بداند، معتقد است، آن اندازه کمراه نیست که تصور کند ترور فردی بتواند مسئله‌ای را حل کند، آنهم ترور یک شخصیت شام روحانی، در کشوری که در کشاکش یک انقلاب عظیم است. آری،

بقیه از صفحه ۴
در بالای یکسایحروف درشت نوشته بود:
«خطراتایانکه افسران توده‌ای جاودان باد»
چون فریاد میزد:
- شهادتنامه سرداران خلق ما...
رهگذری که يك شماره «مردم» را خریده بود،
به جوان گفت:
- محکم‌تر فریاد بزنی... این حق است که هنوز
ادا نشده.
پورمردی که دست دختر کوچکش را در دست
داشت، ایستاد و به عکس خیره شد.
جوان روزنامه را جلوی چشم‌های او گرفت و گفت:
- يك روز همه اینها را خواهند شناخت.
پورمرد جواب نداد. خیره و مات به عکس‌ها شد.
در سرگازان تیرباران تکا می‌کرد.
جوان روزنامه فروش گفت:
- می‌شناسی؟
جوان تک رهگذری، که موهای سرخ تندی داشت،
از پشت سیل‌های طلائی پریشش به طعنه گفت:
- اگر هم شناسی، چیزی از دست نده ای.

تابلوی زنده‌ای در خیابان...

پورمرد با چهره عبوس بطرف او برگشت.
پرسید:
- تو اینجا را میشناسی؟
- اینها را نه، اما حزب توده را آری.
پورمرد در حالیکه به عکس‌ها اشاره می‌کرد،
با صدایی که می‌لرزید، گفت:
- حزب توده همین‌هاست. تو هر یک را نشان را
نمی‌شناسی.
يك سکه ۱۰ ریالی در دست روزنامه فروش
گذاشت و پیش از آنکه برود دوباره بطرف جوان گستاخ
برگشت. پورمرد چشم‌های خاکستری رنگ سردی،
که در سایه ابروان یکدست سفیدش برق‌گشاده‌ای داشت،
توی چشم‌های جوان سرخ‌موی دل زد. صدایش اینبار نه
مرتعش بود، نه خشمگین داشت.
- به مردگان احترام بگذار، به مردگانی که...

بخود آئیم
ودوست و دشمن را بشناسیم

چو بدانی و چندان، مدیونان هستی. روزی خواهی
فهمی... و راهش را گرفت و رفت. تمام سافتی همچنان
عکس‌ها را از نزدیک جلوی چشم‌هایش گرفته بود.
دوباره قدم دورتر، دستمال تاکیده تمیزی را، که از
سفیدی برقع میزد، از پیش بیرون آورد و بطرف
چشم‌هایش برد.
روزنامه فروش دوباره فریاد زد:
- زندگیمان بیشتر اولان انقلاب ایران...
و رهگذر سرخ‌موی که شیطنت و شوخ‌طبعی‌اش
را يك لحظه از دست داده بود، با قافله‌ای متفکر در عکس
شهادت خیره ماند.
من در همه این تابلوی زنده و گذرا، در این صحنه
تنگ‌دنده، که تمامی آن در کمتر از يك دقیقه اتفاق
افتاد، را از يك تاریخ و به عیان دیدم.
این چه نیروئی است که سدهای مردگان را،
پس از ۲۵ سال هنوز چنین ترونازه و وزمنده، به میان
زندگان می‌آورد؟
و چنین که نه تنها بازندگان خود، بلکه با سپاهی
از چنین مردگانی می‌جنگد، آیا می‌تواند حق نداشته
باشد؟

ندانه‌کاریهای برخی از مصادر انشور هم
روبرو هستیم. باین پرسشی که از وزیر
کشاورزی در مورد کمیای تخم مرغ شده و
پاسخی که وی داده (جمهوری اسلامی، ۱۹
مهرماه) توجه فرمایید:
- در مورد تخم مرغ و مرغ‌ها بازار
زیاد است. وزارت بازرگانی جدیداً پنج
هزار تن مرغ انزروانی خریداری کرده است.
وزیر کشاورزی، آماری که داریم،
نشان می‌دهد که مرغ‌های تخمی ۱۱ میلیون
و نهصد تن در دسترس ما بوده است و در
فروردین ۱۳ میلیون و پانصد هزار و در
همین ایام نیز وزارت بازرگانی تخم مرغ
وارد می‌کند. اما از وزارت بازرگانی
خواستیم که بگویند که وقتی تخم مرغ‌ها تمام شد،
دیگر وارد نکنند، تا تخم مرغ گران خود
برای تولید کنندگان آن مصرف داشته
باشد...
ملاحظه می‌کنید میزان درك يك مقام
مشول در دولت انقلاب را از حدود
مسئولیهای خطیر خود در برابر انقلاب،
در مقابل مردمی که سرنوشت زرق و زرقشان
بدرستی آن‌ها و وزیر سپرده شده است؟
و آیا این پاسخ وزیر کشاورزی خواننده
را به یاد داستان سعدی در باره فرمانروای
مصر می‌اندازد که عقل و درایت او بعدی
بود که چون کوروزان بسزوش آمد و
شکایت سردانند که محصول بی‌بسی آن‌ها
بمیلت ابدان بی‌وقت تلف شده است، وی
فیلسوفانه سری تکان داد و گفت: «بشم
مهیاست کاشتن تا تلف نشدی»
چنین مسئولیتی در برابر مردم مسئولند
و این واقعیت را قبل از همه کسانی مانند
آقای وزیر کشاورزی باید همیشه یاد داشته
باشند.

توطئه جدید
علیه انقلاب ایران

کارزار تبلیغاتی که مطبوعات غرب علیه انقلاب ایران ادامه
می‌دهند، اخیراً با انتشار مجله‌ای بنام «ایران آزاده» وارد مرحله
جدیدی شد. این مجله را جواد علام‌میردولو، یکی از سرپرستان
دربار شاه مخلوع اداره میکند و بزبان فرانسه منتشر میشود. گویا
بزودی این مجله به زبان فارسی نیز منتشر ویسی تردید با وجود
کمک شاه مخلوع و دیگر دشمنان قسم خورده خلق ایران بخش خواهد
شد. تعدادی از اعضای متواری ساواک خود را به ادوای رسانده‌اند،
در کار انتشار و توزیع این نشریه دست دارند و بزبان طریق به
همکاران باقی مانده خود در ایران کمک میکنند. ناانقلاب ایران
را تضعیف و آنرا برای لحظه فرود ضربه نهائی آماده کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران
يك وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی
سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی
خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف
سنگینی در مبارزه بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی
جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله
یقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب
توده ایران يك وظیفه انقلابی است. فدکاری‌های اعضاء،
هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز
است. اکنون نیز ما وظیفتمان داریم که اعضاء، هواداران،
دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب
ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری
خواهند رساند.
کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با
تلفن‌های ۹۴۳۵۹۹، ۹۴۳۵۹۹، ۹۴۳۵۹۹، ۹۴۳۵۹۹، ۹۴۳۵۹۹، ۹۴۳۵۹۹،
طرف دفتر حزب تریب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه
بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی
به نام آقای کرمتی و به شماره ۴۴۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی
ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین
فاطمی (ایران نوین سابق) درازند.

از انتشارات حزب توده ایران
عنوان
کفالتی درباره امپریالیسم
برخی مسائل حاد انقلاب ایران
(مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مردم»)
اقتصاد سیاسی (در دستنمای)
ما تریالیسم دیاکتیک (در دستنمای کتاب اول) امیر نیک آئین
ما تریالیسم تاریخی (در دستنمای کتاب دوم) امیر نیک آئین
چهره‌های درخشان
داوریهای بیجا و بیجا
(مجموعه‌ای از اظهارات سیاستمداران و شخصیهای
خارجی درباره کشورشوراها، در دو. این‌ها از
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر) کرد آ ورنده. ف.
حزب توده ایران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

چرا و چگونه افکار عمومی را از مبارزه برضد امپریالیسم و دشمن اصلی و واقعی خلق ممانند حریف می‌سازند؟

بقیه از صفحه ۱
این بهانه بجای نمی‌رسد. ولی با
اینهمه بهانه درجه مهارت توطئه
گران امپریالیست و سطح آگاهی
مردم... تا حقیقت کاملاً روشن شود،
ممکن است مدتی بگذرد، و در این
مدت ممکن است فاجعه بزرگتری
روی دهد، یعنی اختلاف بین
نیروهای انقلابی تشدید شود،
گروهای مختلف جنبش انقلابی
در برابر هم قرار گیرند و بجای
آنکه متحدان دشمن مشترک را
بکوبند، به جان هم بیفتند. و این
درست همان چیزی است که
امپریالیسم میخواهد. و این درست
همان چیزی است که بزبان مردم
است. بزبان انقلاب مردم است.
لذا این کاملاً ممکن است که
حضرت آیت‌الله شریعتی را به
کمک يك صحنه آرایی طبیعی، و این
دچار سوغلن جدیدی شده باشند
همه اینها ممکن است. ولی این
ممکن نیست که رئیس يك دولت
«مارکسیستی» آتقدر بی‌مسئولیت
باشد که دست به چنین مقصدی
های صددرصد زبانهش و بکلی
خالصی از منقبت بزنی، مقصدی
که تنها امپریالیسم میتواند از
نمد آن برای خودکلامی بدود،
زیرا اگر در این کارها سودی باشد،
فقط برای امپریالیسم و ارتجاع
است که کمک این نوع
فتنه‌کننده‌ها، زمینه را برای
تحریک افکار عمومی علیه نیروهای
مترقی‌داغ و داغتر مه‌سازد. دعوی
«کافر و مومنان» برای می‌اندازد
و افکار عمومی را از مبارزه برضد
امپریالیسم، که دشمن اصلی است،
متصرف می‌سازد. طرف ذینفع
دیگری در این مهانه و جواد خارجی
ندارد.
در مسائل برنج سیاسی،
بمنظور وحل صحیح این مسائل،
توصیه می‌کنند که اگر بخواهیم
بفهمیم در حادثه‌ای عامل واقعی
کست، از خود مورسیم، به چه
کسی نفع می‌رساند؟
این جریانات قطره امپریالیسم
نفع می‌رساند و منشاء آنهم فقط
امپریالیسم است. مارکسیست‌ها
تورریسم در افکار حل مسائل
اجتماعی نمی‌دانند و از آن‌ها کمترین
منفعتی نمی‌برند.

درگیری بین دهقانان و عوامل مالک روستای قومه
در روز جمعه ۱۳ مرداد ۵۸ در روستای قومه، از توابع کرمانشاه،
در درگیری که بین دو گروه از روستائیان، بر اثر اختلافی که بین
مالک این روستا بنام کزازی و عده‌ای از عواملش با عده‌ای از
روستائیان بوجود آمد، چهار نفر کشته و چند نفر زخمی شدند.
ماجرا از این قرار بود که روستائیان به آقای کزازی که پیشتر
زمینهای مرغوب را زیر کشت‌داده، مترش و خواهان استرداد قسمتی
از زمینهای مالک ده به دهقانان بودند که عده‌ای از دهقانان عوامل
مالک مداخله کردند و بر اثر آن درگیری بوجود آمد. مالک ده‌ها از
درگیری محاربا ترسیدند، دو دسته موافق و مخالف بجان هم افتادند،
بعضی از دهقانان را کشتند و بعضی دیگر را زخمی کردند. مالک ده
بعضی از دهقانان را کشتند و بعضی دیگر را زخمی کردند. مالک ده
بعضی از دهقانان را کشتند و بعضی دیگر را زخمی کردند. مالک ده

مردم انزلی در انتظار اقدام هشیارانه وقاطع به سود انقلاب هستند

بقیه از صفحه ۱
گوشه‌ای از حوادث سال میرود،
باید هشیارانه تر اقدام کرد و
خواسته‌های حقه مردم را در نظر
گرفت. باید پند گرفت و دانست
که جمله برداشتهای چپ‌نمایانه،
که میدان را برای هجوم راسته
گرایان و بهره‌برداری توطئه‌گران
و ضدانقلابی‌ها باز می‌کند، گره‌از
مشکل نمی‌کشد، بلکه بهانه
بدرست‌ترین مصلحت است. باید پند گرفت
که مشکلات واقعی و خواسته‌های
حقه را با انگشت تندیرو نه با
دندان زنی حل کرد. اینک که
نقته اسلام آقای محمد جوان
پشتوایی، از طرف امام خمینی
مأمور رسیده‌گی به وضع بند
انزلی شده و سایر مراجع تقلید
نیز جداگانه این مأموریت را
تأیید کرده‌اند، مردم انزلی انتظار
دارند که از درس‌خوین روزهای
گذشته عبرت گرفته شود و هر چه
زودتر، بخاطر منافع انقلاب و
آرامش منطقه و اجرای مطالبات
حق زحمتکشان، تدابیر جدی و
قاطع اتخاذ شود.

بقیه از صفحه ۱
گوشه‌ای از حوادث سال میرود،
باید هشیارانه تر اقدام کرد و
خواسته‌های حقه مردم را در نظر
گرفت. باید پند گرفت و دانست
که جمله برداشتهای چپ‌نمایانه،
که میدان را برای هجوم راسته
گرایان و بهره‌برداری توطئه‌گران
و ضدانقلابی‌ها باز می‌کند، گره‌از
مشکل نمی‌کشد، بلکه بهانه
بدرست‌ترین مصلحت است. باید پند گرفت
که مشکلات واقعی و خواسته‌های
حقه را با انگشت تندیرو نه با
دندان زنی حل کرد. اینک که
نقته اسلام آقای محمد جوان
پشتوایی، از طرف امام خمینی
مأمور رسیده‌گی به وضع بند
انزلی شده و سایر مراجع تقلید
نیز جداگانه این مأموریت را
تأیید کرده‌اند، مردم انزلی انتظار
دارند که از درس‌خوین روزهای
گذشته عبرت گرفته شود و هر چه
زودتر، بخاطر منافع انقلاب و
آرامش منطقه و اجرای مطالبات
حق زحمتکشان، تدابیر جدی و
قاطع اتخاذ شود.

۲ شعر از: احسان طبری

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش

به مرتضی کیوان - ۱۳۳۹

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش در زیر آسمان غمین سینه دم بیفشک نبود جان تو غافل زسیر کار روزی که هشتهای به سیبل طلب قدم

قلبی که بود منبع الهام و شعر وراز از جور خصم شد گل یولاد ماء منش چشمی که بود پرزنگاهی زمانه سنج آویخت مرگ پردهای تازی زروزش

طوفان وزید و شاخه نو خیز تو شکست وزیغ عمر برک وجود تو شد جدا رفتی بدان دیار کزان بازگشت نیست وان خاندان و خانه تبی شد ز کدخدا

پروانه‌ای که شیفتهی شمع روشن است پروا ندارد آنکه بسوزد وجود خویش شاعر که هست عاشق انوار زندگی ناگاه مرگ سر نکشد از سرود خویش

آنکس که شوربخت ترا خواند، برخطاست زیرا نبود راه سعادت سعادت است زیبایی جوانی ورمز تو شعر توست وان شعر آخرین که سرودی «شهادت» است.

به همسر افسران شهید

سروده سال ۱۳۳۹

که برب لب لژی بودی، به دل افسانه شومی؟ نظر کردی در آن چشمان که بودش سر مکتومی چراغت را نهمان کردند در زندان تاریکی خبر میداد گوئی از بسلا و رنج نزدیکی تنش سوراخ و خونین بود چون دیدی دگرپارش که حیرت زاد و خاموشی فراق روح آزارش بمرد آن شمع اندر آرزوی پاک خورشیدی که پیشاپیش مرگ او را نلرزانید ترویدی کلند آورد دشمن تا زداید نام پاک وی، هنوزش کینه می آید به جسم چاک وی

به چشم شوی خود خواندی مگر از نهمانش را فشردی یا تشنج دستهای پهلوانش را دریغا! تخت آوردند دیوانی نعوست پی همانا آسمان تیره و غمناک ماه دی بسرب تفته خستندش پس از زجر روانگامی نه در چشمان ترا اشکی، نه در سینه ترا آهی چو نوری سیمرنگ افکند صبح تیره‌ی بهمن براه زندگی او را چنان امید بد روشن چو گورش رابیاد عشق خود آبساز میکردی پلی خونخوار خصم او ز فرط ناجوانمردی ترا و شوی درخورید، تو اورا باش درخور زن! برو مردانه درنتال آن اندیشه‌ی روشن

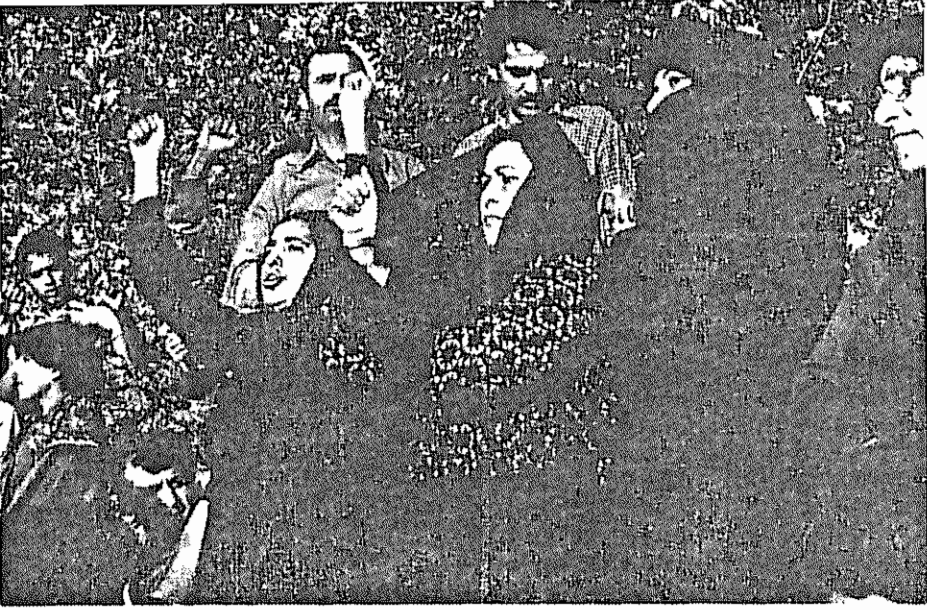
جبهه متحد خلق، یگانه ضامن پیروزی قطعی و نهائی انقلاب

برای چنین کاری جبهه متحد خلق یگانه وسیله است. بایستی همه نیروهای که در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه میکنند و آماده هستند که تمام نیروی خود را در این راه بکار بیاورند. در این جبهه متحد شوند. برای این منظور بایستی از تأثیر نامموم بر است گرایان انحصارطلبی، که می‌کشند نیروهای عظیمی از این جبهه را، در خارج از جبهه، در خارج از قدرت عملی جامعه نگهدارند. کاست باید این نیروها را انجام زد. از این جهت است که ما بانگرا می‌شاهد وضع کنونی هستیم. ما بانگرا می‌شاهد اوضاع کردستان، حوادث بندر انزلی، اوضاع خوزستان و بلوچستان را زیر نظر داریم چرا که برای اینکه مسئله مهم دیگری که در مقابل انقلاب ایران قرار داشته و لازم بوده است که از همان ابتدا، بسا تمام نیرو به آن توجه شود، مسئله ملی است، همانطور که شخصیت بزرگ انقلاب ایران، امام خمینی، از همان آغاز این مسئله را در نظر گرفت و شخصیت دوم و بزرگ‌ترین انقلاب ایران آیت‌الله قله‌دقیق، با تمام نیروی خود، تا آخرین لحظه زندگی به آن مشغول بود.

ازین برودن ستم ملی خفتهای محروم آذربایجان، کرد، عرب خوزستانی، بلوچ، ترکمن، که صدها سال است محرومیت‌های گوناگون را بردوش میکشند، یکی از وظایف بزرگ اجتماعی ماست. این محرومیتها، در همه جا، نه تنها محرومیت ملی و فرهنگی است بلکه با محرومیت اقتصادی عمیق توأم شده. مسئله ملی را انقلاب ایران میبایستی از همان آغاز، راه حل عملی و روشنی برای پیدا میکرد. با کمال تأسف، در نتیجه اخلال عوامل راستکار، اخلال عوامل دشمن، که در همه جا هنوز جادارند، این مسئله حل نشد و با تمام کوشش که نیروهای آزادیخواه، نیروهای مترقی، برای حل این مسئله انجام دادند، بالاخره به این وضع یفرنجی که امروز مشاهده آن هستیم، کشیده شد.

در پیشنهادهای حزب توده ایران، در فروردین سال ۱۳۵۸، یعنی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، در مورد تشکیل جبهه متحد خلق کرد، بطور روشن حل مسئله ملی، بعنوان یکی از مسائل گری گسترش انقلاب ایران، مطرح شده و خواسته شده است که با اعطای خود مختاری و یا خودگردانی و هراسمیدگری که میخواستند رویش بگذارند، به محرومیت خلقی های ایران در زمین سرنوشت خودشان، در اداره خودشان، در فرهنگ خودشان، در زندگی خودشان، به این محرومیت صدها ساله، پایان داده شود و کشور ایران، بعنوان یک کشور آزاد، کشوری که بر پایه اتحاد داوطلبانه خلقهای مختلف استوار است، در منطقه و در تمام جهان شناخته شود. ما این پیشنهاد را کردیم و روی آنهم ایستادیم. ولی متأسفانه از یک‌ماه و نیم پیش به اینطرف، چرخشی در سیاست مقامات حاکمه ایران پیدا شد و اقداماتی انجام گرفت که امروز خود آن مقامات تأسف انجام چنین کاری را میخورند. امروز پیشنهاد حزب توده ایران در مورد اینکه راه حل سیاسی - اجتماعی مسئله ملی، مورد پذیرش جبری همه نیروها قرار گرفته است.

رقای عزیز، ما امروز که اینجا جمع شده‌ایم، بسک دوره بحرانی کوتاه، ولی دشوار زندگی حزبی خودمان را هم پشت سر گذاشته‌ایم. این دورانی است که در ۲۸ مرداد شروع شده



حزب شهدا، قافله در قافله سیاهپوش دارد. مردانی که در خون خویش غلتیدند، تا راه توده‌ها هموار شود، پرچم مبارزه را به زنان، همسران و فرزندان خود دادند. در عکس ۳۱ از بازماندگان شهدای حزب توده ایران به احساسات جمعیت پاسخ میدهند. آن شیرزن که در سمت چپ عکس ایستاده و با یاران حزب خویش پیمان می‌بندد، همسر آخرین شهید حزب توده ایران، آذرتوش مهدویان است.



تابلوی زندهای در خیابان

ضوی از خانواده عزیز توده‌ایهاست. سحنای را که میخوانم برایتان تصویر کنم. در ساعت سه و نیم صبح روز پنجشنبه گذشته، از نزدیک چشم خود دیدم. این ماجرا، با همه سادگی و طبیعی بودنش، مرا از ریشه تکان داد زیرا در آن رازشکرف و نیرومندی حس کردم که حیف آمد عین آنرا برای شما ننویسم.

جوان سرزنده، ویرانه‌ها، یک پل روزنامه مردم، انجمن انقلاب و اردوخیابان کادک (امیرآباد سابق) شد. فریاد میزد: مردم... شهادتنامه سرداران خلق ما... در صفحه اول روزنامه، عکس بزرگ افسران توده‌ای در میدان تورباران چاپ شده بود. چشمها بسته، بدن‌ها به تیرک اعدام طناب پیچ شده، گردن‌ها آفرشته، قامت‌ها استوار و رویتند. گوئی می‌خواستند بسوی آسمان زبانه بکشند...

در آن حدیث و شریک بودند، شریبای به نهال جوان آزادی ایران وارد آمد.

محافل راستکار، تحریکات و دست‌پاچه‌هایی که ضد انقلاب در ایران کرد، حادثه‌ی بزرگ را، که امروز دیگر روشن است که به دست نیروهای ضد انقلاب بوجود آمده، بهانه کردند و حمله وسیعی را علیه آزادیخواهان آغاز کردند. روزنامه‌های حزب ما و سازمانهای دمکراتیک تعطیل شد. کلوب حزب ما را بدلیل آنکه مرکز روزنامه مردم هم در آنجاست، بستند. با اینکه هیچ مقامی غیر قانونی بودن حزب ما را اعلام نکرد، ولی از فعالیت حزب ما جلوگیری کردند. در شهرستانها مراکز حزب ما را مورد هجوم و قمارت قرار دادند. کتابخانه‌های حزب را بشوهرهای فاشیستی آتش زدند. دوستان ما را در نقاط مختلف کتک زدند. کارحتی به آنجا کشید که در کرمانشاه، یک دادستان انقلاب، به خود اجازه داد در جوان، جوانی مثل آذرتوش مهدویان را، که در شهر خود به تنگنای مشهور بود، قطعه بچرم اینکه عضو حزب توده ایران است، بچرم اینکه کتک است من افتخار میکنم به عضویت حزب توده ایران، بچرم اینکه قبل از اینکه آخرین گلوله به طرف او آتش شود، گفته بود: زنده باد حزب توده ایران، اعدام کند. ولی این جریان نشان داد که نسل قهرمانانی که ما امروز برای یادبود به ستون پنجمین سالروز اعدام ایشان اینجا دور هم جمع شده‌ایم، با تمام قدرت خود وجود دارد. هنوز جوانان ما، وقتی به چوبه اعدام بسته میشوند، فریاد می‌زنند: زنده باد حزب توده ایران! اینها همانهایی هستند که بعد از مهدویانها هم پرچم را بدوش خودشان خواهند کشید، از تمام سنگلاخها عبور خواهند کرد، زمین خواهند خورد، خونین خواهند شد، ولی باز بلند خواهند شد و سرپا خواهند ایستاد و با سرود حزب توده ایران، پرچم را به پیش خواهند برد. تا پیروزی قطعی خلق ما در مبارزه علیه امپریالیسم و بخامال آزادی.

رقای عزیز! علیرغم همه این دست‌ها و تحریکات، حزب ما خودسری خویش را در راهی که در پیش گرفته‌ایم دست نخواهد داد و با تمام نیرو در راه تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، برای همکاری با سایر نیروهای انقلابی، برای تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه‌ای که همه نیروهای راستین انقلابی ایران، از هواداران راستین امام خمینی گرفته تا نیروهای چپ انقلابی راستین را در برگیرد، برای بوجود آوردن چنین جبهه‌ای که یگانه ضامن پیروزی ماست، تمام کوششهای خود را ادامه خواهد داد و مطمئن است که در این این کوشش بالاخره پیروزی را بدست خواهد آورد.

امیر یالیم وارتجاع هر قدر هم که میسسه کنند، موفق نتوانند ضد انقلاب را که در ایران وجود آمده به عقب برگردانند. مردم ایران، با احساس خطر، دوم تبه دردم جمع خواهند شد. دستها را بدست هم خواهند داد. آن زنجیرهایی را که تا کنون را به عقب راند، بوجود خواهند آورد و همه دست‌های ضد انقلاب را باناکامی روبرو خواهند کرد. پیروز باد انقلاب ایران! شمار ما عبارت است از:

همه یاهم در ایجاد جبهه متحد خلق برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب عظیم تاریخی ایران، انقلاب حماسه‌ای ایران، انقلابی که

این دو شعر راهمانطور که از تاریخ پیداست، در هنگام قتل و عام افسران حزب توده ایران سروده‌ام. ۲۵ سال گذشته است. روی همان کاغذی که آنوقت نوشته بودم، میفرستم.

مردند همچو مرد

مردند همچو مرد، نه مانند خائنین نه چون کسیکه زندگیش مرگ مدحتی است نه چون کسیکه زندگیش نفرت است و تنگ یک لحظه زندگیش تنگی و خواهر است. مردند و سرگشته نشدند، نه مانند بزرگان داشت هر غمناکی، کز این گل افاد بر زمین صد شایر بزرگ داشت و آنجا که اوفتاده بروید نهال کین. رفتند و رفتشان نه بر رفتن شبیه بود. گویا که زنده‌اند زیرا بجای خویش برشور و بردیاد صدها نشانده‌اند فریادشان هنوز بلرزاند، ای شکفت این شام تاردا در قلبها و خاطرها زنده می‌کند. این مرگ، این شهامت افسانه واردا.

این مرگ نیست، زندگی جاودانه است از سینه‌ای بسته شده نقل و همچنان در گوش مردمان هزاران هزار سال شورین ترانه است. افسانه است و قصه جاویده مانده‌ای است مانند یک سرود و همانگونه بر زمین مانند یک ترانه لبریز عشق و کهن افسوس یک ترانه تا ته نخوانده است.

مردند همچو مرد، همانند آنکه او داند چگونه باید مرد و چگونه زیست و آنکس که مرگ بشناسد چون زندگی چندان زیاد نیست

ده و یک

ده ایستاده شهر ده مرد، ده جنازه و ده خون سرخ رنگ ده بومه از برای هزاران هزاراب ده سر که خم شده است ز سنگینی غرور ده مردیون کور ده زن، مانع از ده قلب در دلش ده جان مرد، کف ده گونه لب، لی یک حرف، یک زبان یک راه، یک هدف.

توطئه امپریالیسم و صهیونیسم برای نایاب شدن دارو در ایران

چندین قلم از داروهای ضروری و حیاتی در ایران نایاب شده است. شرکت‌های بزرگ دارویی برای فروش دارو به ایران شرایط بسیار سختی گذاشته‌اند و تنها در ازای تحویل پول نقد دارو به ایران صادر می‌کنند. در حالی که شرکت‌های خارجی تولیدکننده دارو قبلاً در درصد بهای صادرات از سوی دولت ایران پرداخت دریافت می‌کردند و بقیه را در اقساط ۶ ماهه یا بیشتر می‌گرفتند. این روش معمول در مورد تمام قراردادهای تجاری رعایت می‌شد و منحصر به خرید و فروش دارو نبود، اما حالا بهیچ وجه شرکت‌های دارویی و تولیدکنندگان دیگر خارجی که وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی هستند و از انقلاب ایران ناراضی‌اند، برای فروش کالاها خود به کشور ما بها نه چوئی می‌کنند و حتی قراردادهای بین‌المللی تجارت را نادیده می‌گیرند. ولی این اشکال نراشها و کارشکنی‌ها که تماماً بدستور سیاستگران صهیونیست انجام می‌گیرد، کمترین تأثیر در سیاست کتونی ایران نمی‌گذارد و حتی خشم مردم ما را نسبت به جهان‌نوااران صهیونیستی بیشتر می‌کند.

شرکت‌های تولیدکننده دارویی، که در گذشته برای فروش داروهای خود به ایران به رقابت برمی‌خاستند و به هر پیشه‌ای از جانب دولت ایران تسهیلات می‌دادند، اکنون که جلوی منافعی که در ایران گرفته‌شده، حاضر به فروش دارو به ایران نیستند.

(اطلاعات - ۱۸ مهر)

دانش آموز درس را از سیاست و مبارزه را از زندگی جدا نمی‌کند

انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان تربیت، طی اطلاعیه‌ای با اشاره به مبارزات آگاهانه و قهرمانانه دانش‌آموزان در میدان‌های نبرد علیه رژیم مغزور پهلوی که دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود، خاطر نشان کرده‌اند:

افزایش قیمت و تورم سوسام آوور

وزیر کارگفت، ... بر اثر انقلاب و مشکلاتی که بعد از انقلاب داشته‌ایم، تولید داخلی خیلی تنزل کرده است، واردات نداشته‌ایم و اگر وضع به همین منوال پیش برود، در آینده با افزایش قیمت و تورم سوسام آوور مواجه خواهیم بود. بنابراین نفع ملی ما در اینست که هر چه زودتر رابطه بین کارگر و کارفرما درست شود و امنیت اقتصادی برای وطن‌ما حاصل گردد.

(جمهوری اسلامی - ۱۹ مهر)

در مطبوعات کشور

به انحراف و کجروی بکشاند. در حالیکه برای تدارک انقلاب و پایداری آن بایستی از نیروهای تازه نفس که بازوان ملتند کمک گرفت و این جز از طریق بالا رفتن سطح آگاهی و پیش‌ساز سیاسی جوانان صورت نمی‌گیرد.

(اطلاعات - ۱۸ مهر)

از شلاق تا اعدام برای لواط

... حتی در مورد صدور حکم در این شهرستانها هم تقاضای تمییز و عدم تساوی دیده می‌شود. حال به بعد یا بهر، آگاهی کامل نداریم. بدینصورت که در یک شهر به علت زنا و لواط حکم اعدام صادر می‌شود و در شهر دیگر در قبال همان عمل چند سال حبس یا به چند ضربه شلاق محکوم می‌شود. بطور مثال در چراغ آینه، دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان، تقی کریمیان را به علت انجام عمل لواط به اعدام محکوم نمود.

دادگاه انقلاب اسلامی زنجان دو نفر را به نام داوود کتوری و افاضل ابراهیم که مرتکب عمل لواط شده بودند، به ۹۰ و ۷۰ ضربه شلاق و داوود کتوری به یک ماه حبس ناایمی محکوم نمود.

سه شنبه ۲۴ شهریور - روزنامه کشور - انتشار کشور. بازمی‌خوانیم، در یک روز در آمل، دادگاه انقلاب اسلامی محمود خزائی را به جرم رابطه نامشروع به ۷۰ ضربه شلاق در ملاء عام محکوم می‌کند و در همان روز قربان وجدی و رفیقه شجاعی به علت ارتکاب به چند فقره زنا، محصنه به اعدام محکوم می‌شوند.

چهارشنبه ۲۱ شهریور - روزنامه کشور - انتشار کشور. در نقاط مختلف کشور برای یک عمل مشابه، یک چنین تفاوتی در قصاصات وجود می‌آید. یکی

محکوم به اعدام دیگری محکوم به چند ضربه شلاق ۱۱۱۴ چرا بازم تمییز قائل می‌شوید؟ (جمهوری اسلامی - ۱۹ مهر)

سیاست خارجی ایران انقلابی نبود

... بنظر من سیاست خارجی ایران، بعد از پیروزی انقلاب تاکنون، چه تقاضای وجه کمبودهایی داشته است.

... همانطور که قبلاً عنوان شده است، سیاست خارجی دولت موقت ما بعد از پیروزی انقلاب، آنطوریکه انقلاب ایران تقاضا می‌کرد، انقلابی نبود. سیاست خارجی ایران می‌توانست انقلابی تر باشد. ایران می‌بایستی با موضع گیری‌های قاطع تر و روشنی تر مخصوصاً در قبال مسائل فلسطین، لبنان و بقیه جاهایی که هیچ محصوریتی به وجود نمی‌آورد، سیاست خارجی انقلابی تری را دنبال کند، که این امر می‌توانست اثر تبلیغاتی خوبی در کشورهای دیگر برای انقلاب ایران داشته باشد، که متأسفانه این امر انجام نشد.

... دولت ایران تاکنون هیچ حمایت عملی از فلسطین نکرده است. بنظر شما دلیل این امر چیست؟

... دلیل این را باید از آن آقایانی که این سیاست را اتخاذ کرده‌اند، پرسید. ما معتقدیم که در مورد انقلاب فلسطین و مخصوصاً لبنان باید خیلی قاطع تر و روشنی تر و انقلابی تر عمل می‌شد، که نشده است. حالا اینکه عمل تشددی را باید از آنها پرسید.

(ابوشریف - فرمانده سپاه پاسداران - انقلاب اسلامی - ۱۸ مهر)

نطق فیدل کاسترو در سازمان ملل



از این شماره، سخنرانی فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست، رئیس شورای دولتی و شورای وزیران جمهوری کوبا در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ویدئو پخش منتشر می‌گردد.

فیدل کاسترو، رئیس کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتهد، که در هاوانا برگزار گردید، در جلسه نهائی اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خطاب به شرکت کنندگان در این اجلاس اظهار داشت:

«از مسائلی که اجلاس کنونی مجمع عمومی بی‌امون آنها بحث می‌کند، مسئله مربوط به استحکام بر خوددار است و صلح و امنیت این منطقه و بطور کلی جهان را با خطری جدی مواجه می‌کند. بعقید، کشورهای غیرمتهد، مسئله فلسطین مهمترین و جبران ناپذیر مسئله در این منطقه است، که بایستی در ارتباط با دیگر مسائل کلاحل و فصل شود. تمام مسائل این منطقه با مسئله فلسطین پیوند دارند و نمیتوان آنها را از یکدیگر جدا کرد. نقطه مبدا برای رسیدن به صلح عادلانه در این ناحیه عبارتست از، تخلیه کامل و بدون چون و چرای تمامی نیرهای اشغالگر اسرائیل از خاک کشورهای عربی و بازگرداندن تمامی سرزمینهای خلق عرب فلسطین به این خلق و همچنین احیاء کامل حقوق حقه آن، از جمله حق بازگشت به میهن خود، حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی.»

فیدل کاسترو، رئیس کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتهد، که در هاوانا برگزار گردید، در جلسه نهائی اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خطاب به شرکت کنندگان در این اجلاس اظهار داشت:

«از مسائلی که اجلاس کنونی مجمع عمومی بی‌امون آنها بحث می‌کند، مسئله مربوط به استحکام بر خوددار است و صلح و امنیت این منطقه و بطور کلی جهان را با خطری جدی مواجه می‌کند. بعقید، کشورهای غیرمتهد، مسئله فلسطین مهمترین و جبران ناپذیر مسئله در این منطقه است، که بایستی در ارتباط با دیگر مسائل کلاحل و فصل شود. تمام مسائل این منطقه با مسئله فلسطین پیوند دارند و نمیتوان آنها را از یکدیگر جدا کرد. نقطه مبدا برای رسیدن به صلح عادلانه در این ناحیه عبارتست از، تخلیه کامل و بدون چون و چرای تمامی نیرهای اشغالگر اسرائیل از خاک کشورهای عربی و بازگرداندن تمامی سرزمینهای خلق عرب فلسطین به این خلق و همچنین احیاء کامل حقوق حقه آن، از جمله حق بازگشت به میهن خود، حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی.»

کنفرانس کشورهای غیر متهد، با پیروی از اصول، نه پیش داوریهای سیاسی و طبق تحلیل عینی واقعات، خود را موظف دانست تا یک کتد که سیاست ایالات متحده آمریکا یکی از عمده ترین موانع در راه رسیدن به صلح عادلانه و کامل در این منطقه است، زیرا ایالات متحده آمریکا با اسرائیل در یک جبهه قرار دارد، از اسرائیل حمایت می‌کند و راه‌های موضوعی و کام به کارها تحمیل می‌کند، که با اهداف صهیونیستی و سرسخت شناختن نتایج تجاوز اسرائیل بزیان منافع خلق عرب فلسطین و دیگر کشورهای عرب منطقه مطابقت دارد.

در مورد اوضاع آمریکایی لاین، شرکت کنندگان در کنفرانس غیر متهدها باین نتیجه رسیدند که «مامانکال و مظاهر استثمار و استثمار در این قاره، باید ریشه کن شود. کنفرانس وجود پایگاههای نظامی ایالات متحده امریکار خاک کشورهای این منطقه و حوزو در برای کارائیب، پایگاههای مستقر در کوبا و پورتوریکو را محکوم کرد و از دولت ایالات متحده امریکا خواستار شده که سرزمینهای این کشورها را که برشم تمایل مردم آنها، منظور ایجاد پایگاه نظامی اشغال شده است، به آنان بازگرداند.»

سران دول و کشورهای غیر متهد، تلاشهای امپریالیسم آمریکا را برای ایجاد اصطلاح نیرهای امنیتی در حوزو دریای کارائیب محکوم کردند و خاطر نشان ساختند که ایجاد این مکانیسم نظامی نو- استعماری، با حق حاکمیت کشورهای منطقه و مصالح صلح و امنیت مغایرت دارد. کنفرانس کشورهای غیرمتهد از دولت امریکا خواست مفاد پیمان مربوط به کانال پاناما را کاملاً رعایت کند.

بخش دوم در شماره آینده

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله سربین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم بسرانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبارزانه انقلابی است.

نوه امام خمینی: جنک تا تشکیل یک کشور فلسطین

خبر گزارهای جهان گزارش داده‌اند که آقای سید حسین خمینی نوه امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، که سرگرم بازدید از جبهه‌های جنک در لبنان است، پس از بازدید از ویرانه‌هایی که تجاوزگران اسرائیلی از خود در جنوب لبنان باقی گذاشته‌اند، اعلام داشت که مردم جنوب لبنان باید مسلح شوند و دوشادوش فلسطینی‌ها بجنگند. این اظهارات حلی است که برای این منطقه باقی مانده است. وی، که هائیتی از روحانیون ایرانی هم‌راهی می‌کنند در اجتماع اسرائیلین محلی «فنا» در نزدیکی بندر تهر، واقع در جنوب لبنان، گفت: ما خود را از شما میدانیم و به هر راه فلسطینی‌ها خواهیم جنگید تا آنها بتوانند یک کشور مستقل داشته باشند.

این اظهارات از منطقی و درجهت کسانی نیست که معتقدند جنوب لبنان از وجود برادران فلسطینی باید پاک شود، تا جنک در این منطقه خامه یابد.

کارگران ایستگاه گاز شیراز هنوز حداقل حقوق مصوبه وزارت کار را نگرفته‌اند

ده نفر از کارگران ایستگاه گاز شیراز خواهان دریافت حداقل دستمزد مصوبه وزارت کار هستند. این کارگران در دو ایستگاه گاز شیراز، که پیمانکار آن شخصی بنام «درشوری» است، مشغول کارند و بنا به اظهار خودشان در خارج از شهر و در شرایط سختی شبانه روز مشغول کارند.

این کارگران تا بحال حداقل دستمزد ماهانه ۱۷۰۰ تومان را دریافت نکرده‌اند و در جواب اعتراضاتشان از مساون درشوری شنوده‌اند که: «همینه که هست. برید شکایت کنید.»

این کارگران بابت شب کاری نیز ۳۰٪ اضافه حقوق را دریافت نمی‌کنند و در جواب اعتراضاتشان شنیده‌اند: «شب کاری باروز کاری فرقی ندارد.»

یکی از کارگران می‌کند: «اگر دیروز این خواستها را از شرکت داشتیم، انگشتها و پوست سرمان را می‌کنند، ولی امروز زیر بار نمی‌رویم.»

کارگران خواستار رسیدگی فوری وزارت کار به اعمال غیر قانونی کارما هستند.

مرک جاتنگ از يك باقلا فروش

بیکاری که از تبه شوم رژیم جبار و خونخوار پهلوی است، هر روز زندگی هزاران نفر از هموطنان زحمتکش ما را تهدید می‌کند و در بعضی موارد آنها را به کام مرگ و نیستی می‌فرستد. در نتیجه بیکاری مزمن، زحمتکشان به کارهای گوناگون از قبیل دستفروشی روی می‌آورند و از این طریق نان بخورونمیر خانواده خویش را در می‌آورند. ولی این نان بخورونمیر هم به آسانی بدست نمی‌آید. گاهی فروش نمی‌کنند، زمانی که می‌فروشند بعضی مواقع کار واجبی ویا احیاناً بیهاد می‌پیش می‌آید و کار می‌خواهد در این موقع خود و فرزندانشان می‌بایست گرسنه بخوابند. موقعی هم حادثه‌ای در حین فروش پیش می‌آید و خانواده‌ای را بی‌سرپرست می‌گذارد. نمونه این حادثه، شبیکشنبه ۱۵ شهریور ۵۸، در کنار باغ گلستان تبریز پیش آمد. جریان از قرار بود:

باقلا فروش جوانی (که حدود ۳۰-۳۲ سال داشت) همیشه با باقلا خود را روی چرت دستی کوچکش، در نیش باغ گلستان می‌گسرتد و احتیاجات خانواده را از این طریق بر آورده می‌کرد. وی هر شب کاری خود را به تهر بر می‌برد و به خانه میرفت شب یکشنبه مختصر بارانی باریده بود. در نتیجه، تهر برق خیس شده و اتصال برقی پیدا کرده بود. وقتی می‌خواهد کاری را به تهر برق ببیند، دچار برق گرفتگی میشود و به از انتقال به بیمارستان می‌میرد. بطوریکه در دستش فروش دوره گردش می‌گفتند، وی چند بچه خردسال داشت و تنها از طریق فروش باقلا خرج آنها را در می‌آورد.

اخبار کارگری

اعتراض کارگران و پیشه‌وران صنف درب و پنجره‌ساز به احتکار پروفیل توسط سرمایه‌داران

کارگران و پیشه‌وران صنف درب و پنجره‌ساز، روز شنبه ۱۴ مهر، جلوی استانداری اجتماع کردند و ضمن اعتراض به نحوه تقسیم پروفیل، اظهار می‌داشتند که سرمایه‌داران با خرید و انبار کردن و نقل و انتقال شبانه این کالا باعث نایاب شدن و وجود آوردن بازار سیاه و بیببذون مقدار هنگفتی سود غیر قانونی شده‌اند. این کارگران با تهیه شکایتی، که به امضاء جمعی از آنها رسیده بود، خواستار رسیدگی به نحوه توزیع پروفیل و اقدام مقتضی در مورد بازار کار سیاه و فرست طلب شدند.

شرایط دشوار کار و زندگی کارگران «شرکت ملی طرح گازرسانی»

کارگران «شرکت ملی طرح گازرسانی» که در منطقه شیران مشغول کندن کانالی برای عبور لوله گاز هستند ۱۰ نفر و همگی کرد هستند در بین آنان کارگر ۱۳ و ۱۵ ساله هم وجود دارد. ساعت کار آنان از ساعت ۷ صبح الی ۸ غروب است، که در بین این ساعات، یک ساعت از ساعت ۱۲ الی ۱ بعد از ظهر استراحت می‌کنند. کار آنان بیشتر بصورت کتراتی است، که بطور متوسط، کارگران نیرومند روزی ۸ تا ۱۰ مکن و کارگران نوجوان و کمین روزی ۵ الی ۶ متر زمین حف می‌کنند و از فرامردمی ۱۱۰ ریال به آنان مزد پرداخت می‌گردد. این کارگران هیچگونه نمانیا، از قبیل مسکن یا حق مسکن، اضافه کاری، سرویس رفت و آمد و سالن غذاخوری و... ندارند.

کارگران این شرکت دلیل آمدن به تهران و ندادن به کاری واقفاً مشکل (بخصوص برای کارگرانی که با توجه به سن کم آنان، تحمل این قبیل کار سنگین را ندارند) و با درآمدی کم و بدون هیچ مزایا را، احتیاج شدید و وضع بدسالی توضیح می‌دهند. آنها از دولت موقت جمهوری اسلامی تقاضای رسیدگی به وضع دشوار خود را دارند.

کارگران شرکت مهک هنوز بیکارند

صبح روز ۷/۱۶ عده‌ای در حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی مهک، در مقابل اداره مرکزی این شرکت، واقع در خیابان ملاقاتی، جنب ویلا، اجتماع کردند. آنها که ۴ ماه است بیکارند، از اینکه هیچکس به خواستهای آنها رسیدگی نمی‌کند و مقامات مسئول به تقاضای آنها توجهی نکرده‌اند، شکایت می‌کردند. لازم به تذکر است که شرکت مهک در بسیاری از استانهای کشور نیز به کار مشغول بوده است و کارگران زیادی نیز، که برای این شرکت کار می‌کنند، اکنون در شهرستانها بیکارند. رسیدگی فوری به کار این شرکت، اولاً سرمایه عظیمی را که مانده بکارمندان دارد و ثانیاً کرده کثیری را که بیکار شده‌اند، به کار باز می‌گرداند.

